

داشتن تحصیلات معماری داخلی لازمه معمار داخلی بودن است!

در گفتگویی با دکتر نعمت اله اسماعیل لو
دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵ در دفتر معماری آرک اس



دکتر نعمت اله اسماعیل لو

از سال ۱۳۵۴ با راه اندازی دفتر معماری Arches (آرک اس) به شکل حرفه‌ای فعالیت خود را آغاز نموده و تا به امروز در زمینه معماری، معماری داخلی و طراحی محوطه با بهره‌گیری از توان بالای فنی، هنری و علمی خود و همکاران مجرب در زیرمجموعه کاری هر پروژه، موفق به خلق فضاهای متنوع و کارآمد در مجموعه پروژه‌هایی از جمله: هتل، تجاری، اداری، مذهبی، ورزشی، تفریحی، مسکونی و... در قالب طرح‌های گسترده و بلندمرتبه شده است. در سایت حاضر نمونه‌هایی از پروژه‌های معماری و آثار تجسمی قرار گرفته است.

نعمت اله اسماعیل لو دارای مدرک تحصیلات تکمیلی معماری از دانشگاه مهندسی ساخت و ساز آذربایجان (۱۹۹۵-۱۹۹۸)، کارشناسی ارشد معماری داخلی (۱۳۵۹) و کارشناسی (۱۳۵۵) از دانشگاه هنر تهران می‌باشد. از سال ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۴ مدرس دروس ترکیب ۳ در دانشگاه علم و صنعت و از سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۲ مدرس طراحی معماری داخلی کارشناسی ارشد دانشگاه هنر و از ۱۳۸۹ تاکنون مدرس طراحی دوره‌های کارشناسی ارشد معماری داخلی در دانشکده معماری و قطب علمی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران می‌باشد.



چیدمان: از دیدگاه شما تعریف معماری داخلی و رابطه آن با معماری چیست؟

پاسخ به این سؤال دو بعد دارد، همانگونه که از سؤال شما مشخص است اول باید دید معماری داخلی چیست و پس از آن رابطه آن با معماری چگونه است. بدیهی است که امروزه دیگر کسی به دنبال تعریف معماری نمی‌باشد به عنوان مثال دلیلی ندارد از یک معمار پرسیم تعریف معماری چیست؟ جامعه بشری از زمان‌های بسیار گذشته که سنگ روی سنگ می‌گذاشت و لانه و خانه برای خود می‌ساخت و به تبع آن جایی را برای خوردن و خوابیدن و حفاظت از باد و باران و خطر حیوانات درنده در نظر می‌گرفت جبراً با ساخت و ساز و انواع سبک‌های معماری در گذر زمان آشنا شده است در ضمن اینکه سالیان دراز است که رشته معماری در مدارس و مراکز علمی بزرگ جهان جایگاه ویژه و تعریف خود را پیدا کرده است. همچنین اگر پرسیم دکوراسیون داخلی چیست معمولاً حتی شنونده غیرمتخصص نیز به راحتی پاسخ تا حدودی صحیح می‌دهد. ولی چرا و از کی سؤالات متعددی در جهت شناخت معماری داخلی بیشتر شده و ظاهراً هنوز رابطه آن و یا جدایش با معماری برای بسیاری از افراد و یا دانشجویان و حتی برخی از مهندسين مرتبط نیز مبهم می‌باشد.

به نظر بنده مسأله برمی‌گردد به حدود ۵۶ سال پیشینه دانشگاهی این رشته در ایران که نوجوانی آن مواجه با انقلاب فرهنگی شد و سال‌ها اساساً این رشته تحصیلی دیگر جایی در دانشگاه‌ها نداشت و زمانی که مجدداً رشته معماری داخلی به دانشگاه‌ها برگشت در مقطع کارشناسی ارشد بود (فکر می‌کنم سال ۸۴ یا ۸۵) دانشگاه هنر.

از همان اولین دوره‌های کارشناسی ارشد معماری داخلی دانشگاه هنر و در سال‌های اخیر در دانشگاه علم و فرهنگ و دانشگاه تهران و ارشد دانشگاه آزاد اردستان معماری داخلی را تدریس می‌کنم... و در تمام دوره‌ها با این سؤال شما مواجه می‌شوم و حتی غالباً دانشجویان این رشته معماری داخلی رانمی‌شناسند...؟

همانطور که می‌دانید تعاریف بسیار زیادی است من نوشته‌های پراکنده‌ای در این خصوص دارم و ۴ الی ۵ سال است که می‌خواهم آن‌ها را به گونه‌ای منتشر کنم تا بتوانم بگویم معماری داخلی چیست؟ چرا که در حال حاضر به قدر کافی مرجع و زمینه‌ای مناسب حداقل بنده نمی‌بینم و شاید نباشد... البته تعداد بسیار زیاد مجلاتی با عناوین معماری داخلی، تزئین، نور و غیره گاه‌آ دیده می‌شود که به نظر من همه اینها تجاری است و هیچ چیزی را نمی‌گویند و صرفاً کاتالوگ‌هایی هستند، سازمان‌ها و ادارات مربوط مختلف باید کمک کنند. من نمی‌دانم در ایران برای این رشته نو و رشته‌ای که این قدر چالش بین آن است که معمار کیست و معماری داخلی چیست، چگونه و با چه معیاری استاد انتخاب می‌شود؟ متأسفانه در زمانی که من معماری داخلی می‌خواندم معمارها اساساً ما را و این رشته را قبول نداشتند و به این رشته به چشم تزیینات چی و یا دکوراتور مجالس نگاه می‌کردند و به نظر می‌رسید می‌تسیدند جایشان تنگ شود.

همانطور که قبلاً گفتم رشته معماری از ادوار دور بوده و شناخته شده است، کتب بسیار در انواع گوناگون دانشگاهی و در مواردی از جمله، تاریخ معماری فلسفه معماری نگاه بزرگان به معماری انواع کتب علمی

و فنی معماری و بسیار کتب و مرجع دیگر که همه می‌دانیم... ولی در مورد معماری داخلی اگر هم چیزی باشد که به نظر من نیست، فقط ترجمه است! حاصل این ترجمه‌ها یک سری پاسخ‌های کلیشه‌ای است. "معماری داخلی همان معماری است"، "معماری داخلی همان دکوراسیون است" معماری داخلی همان چیدمان است و... به هر علتی بعد از انقلاب فرهنگی به ما گفتند به رشته معماری داخلی نیازی نیست و این رشته مختص اشراف است.

دانشکده هنرهای تزئینی رشته معماری داخلی را از سال ۱۳۳۹ آورد و سیستم، سیستمی بود که از دانشگاه بوزار فرانسه کپی شده بود، دروس شیرین و بسیار خوبی داشتیم دانشجویان در حد ۳۷ الی ۴۰ نفر در هر دوره می‌گرفت. این دانشجویان با وجود اینکه آن موقع حضور و غیاب اصلاً مطرح نبود ولی اساساً کسی غیبت نمی‌کرد همه با عشق و علاقه کار می‌کردند، متأسفانه من به عنوان شخصی که سال‌ها در رشته معماری و معماری داخلی فعالیت می‌کنم و در دانشگاه هستم، می‌بینم که الان اوضاع حضور دانشجویان در کلاس‌ها بسیار بد شده است.

معماری تاریخ خودش را دارد و دانشگاهی مثل بوزار^[۱] فرانسه بالای سیصد سال قدمت دارد و در ابتدا مدرسه عالی هنرها بوده است که بعد معماری داخلی را در قرن اخیر به آن رسیده‌اند یا مدرسه باهاوس که سیستم معماری را پایه‌گذاری می‌کند و یک قرن و اندی در آلمان سابقه دارد. دانشکده هنرهای زیبای تهران سال ۱۳۲۰ تأسیس شد و اساتید بسیار عالی از دانشکده معماری فارغ‌التحصیل شدند از جمله دکتر سیحون^[۲] (خدا رحمتش کند) و اساتید بیشتر دیگر و به نظر من آن نسل‌ها دیگر تکرار نخواهد شد و ایکاش بشود. انتظار داریم نسل جوان ما با این داده‌ها و نرم‌افزار خیلی غنی‌تر باشند ولی متأسفانه اینطور نیست.

من فکر می‌کنم ۱۰۰ الی ۱۲۰ سال هست که معماری داخلی در کشورهای مختلف به شکل تخصصی مطرح شده است. در یک جا خواندم که نوشته بود انجمن معماران داخلی یا طراحان داخلی در امریکا معمار داخلی را کسی می‌داند که قطعاً باید تحصیلات معماری داخلی داشته باشد. ولی در کشور ما بعضی افراد خودشان را در برخی کارها وارد می‌کنند. به همین شکل در کار مهندسی دخالت می‌کنند و متأسفانه مانعی هم نمی‌بینند، دخالت در کار مهندسی تأسیسات خیلی کم است، دخالت در کار مهندسان محاسب و سازه بسیار کم است، دخالت در کار معماران ما تا حدودی است ولی باز هم معماری برای خود اسلوب و ضوابط خاصی دارد ولی وقتی به معماری داخلی می‌رسیم همه صاحب‌نظر و کارشناسند و نظر می‌دهند! خب؛ به این دلیل است که انجمن معماران در کشورهای پیشرفته می‌گویند معمار داخلی باید تحصیل این رشته را داشته باشد.

۱- مدرسه بوزار در سال ۱۶۴۸ توسط نقاش دربار لویی چهاردهم، شارل لوبرول تأسیس شد. این مدرسه ابتدا به صورت آکادمی نقاشی و تندیس‌سازی به فعالیت پرداخت. در سال ۱۷۹۵ رشته معماری نیز به دورشته قبلی (نقاشی و مجسمه‌سازی) اضافه شد و نام مدرسه به آکادمی هنرهای زیبا (به فرانسه، بوزار) تغییر یافت.

۲- هوشنگ سیحون (۱ شهریور ۱۲۹۹ - تهران - ۵ خرداد ۱۳۹۳ و نکور کانادا) معمار، طراح، نقاش و مجسمه‌ساز سرشناس و نامدار اهل ایران بود. وی استاد معماری و رئیس سابق دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. سیحون، طراح بنای یادبودی آرامگاه بوعلی سینا و طراح آرامگاه‌های خیام، نادرشاه افشار، فردوسی و کمال‌الملک بوده است.



طراح و مجری پروژه بازار زیتون، کیش، ۱۳۷۵-۱۳۷۳

کنند فضایی که در دل معماری باید جان تازه‌ای بگیرد و یا تغییر کاربری دهد به وجود آورند.

یک معمار داخلی به فضا روح و جان می‌بخشد تفکیک عملکردها را همراه زیبایی‌شناسی آگاهانه به کار گیرد تا فضا روح تازه بگیرد کار معمار داخلی دکوراسیون نیست بلکه به وجود آورنده فضاها، بازشوها، سقف کاذب‌ها، کفسازی‌ها و بدنه دیوارهایی است که به دکوراتورها کمک می‌کند در حالی که شاید برخی معتقد باشند که دکوراتور همان معمار داخلی است... من به شدت این دو را از هم تفکیک می‌کنم و رابطه کارشان را به مانند معمار و معمار داخلی می‌دانم. دکوراتور یا طراح و پترین می‌تواند با یک معمار داخلی همکاری کند و با هم کار کنند. به همین ادله که عرض کردم خدمتتان دکوراتورها مجزا شده‌اند. معماری داخلی شناخت کامل مبانی معماری و دادن روح زندگی به اجزاست. در حال حاضر وظیفه معمار داخلی این است که روح فضا را بر مبنای خواسته یک کارفرما متغیر کند، ممکن است آن کارفرما همان آرشیکت یا معمار همان ساختمان باشد.

معمار داخلی باید با سازه‌شنایی داشته باشد. من بسیار معماری‌گونه به معماری داخلی نگاه می‌کنم و اساتیدی هستند که برعکس من و در نقطه مقابل من نگاه می‌کنند یعنی از دکور به طرف معماری داخلی می‌آیند. من عمر بناهای معماری را در طول زمان به طور نسبی از معماری داخلی همان ساختمان بسیار ماندگارتر می‌دانم. معمار به نگاه‌ها و مناظر شهری نیاز دارد پروژه‌های معمار را همه می‌بینند هر کسی که از آن معبر می‌گذرد می‌بیند، قوانین شهری در کار معماران دخیل است. ضوابط شهری، ارتفاع، پارکینگ و گذرها در کار یک معمار حاکم است. همان‌گونه که می‌گوییم معمار داخلی باید معماری را بشناسد معمار هم باید شهرسازی

معماری داخلی ضابطه‌مند است و به همین علت باید به کسانی اجازه دهند که چارچوب‌های آن را بشناسند. در جایی خواندم که دکوراتورها کسانی هستند که در تخصص‌های خوب و شناخت دوران‌های مختلف معماری و سبک‌های گوناگون می‌تواند کار کند.

بعد از تمام این صحبت‌های اولیه که عدم شناخت بیشتر از آن ناحیه است اکنون ببینیم معماری داخلی چیست؟ و معمار داخلی کیست؟

همان قدر که یک معمار وقتی شروع به طراحی می‌کند به برنامه فیزیکی اش، عملکرد، روابط و بدنه ساختمان، احجام و فرم‌ها و... فکر می‌کند همان قدر نیز معمار داخلی به این موارد باید بیاندیشد.

معمار داخلی از نظر من یک مهندس هنرمند است یا یک هنرمند مهندس در گذشته نیازی به معماران داخلی نبوده و در تمام رشته‌ها یک نفر همه کارهای ساختمان را انجام می‌داده همانطور که یک پزشک همه کاری می‌کرد.

امروزه رشته‌ها تفکیک شده و تکنولوژی و مدرنیسم فراگیر شده، مصالح و متریاال ساختمانی بسیار متنوع شده است. نورپردازی‌ها بسیار پیچیده و متعدد شده است. سیستم‌های صوتی تصویری اکوستیکی بسیار متنوع شده سازه‌های سبک جدیدی به بازار آمده و...

معماری داخلی به دلیل تنوع محصولات جدید و تحولات تکنولوژی جبراً باید به دست کارشناسان و تحصیل کردگانی باشد که شناخت کامل به مصالح موجود و جدید این دوران را داشته و هنر انجام این کار را نیز داشته باشند، تبدیل عملکرد به فرم را بدانند، تبدیل جایگزینی‌های مختلف را با هم بدانند، گرافیک در معماری را به خوبی به کار گیرند، از هنرهای تجسمی اطلاعات در سطح مطلوبی داشته باشند تا بتوانند کمک





مشاور و معماری پروژه مرکز اداری تجاری گودمن، کیش، ۱۳۸۹-۱۳۹۳

نور در گوشه اتاق، نور در سقف اتاق، این چه آموزشی به معمار داخلی می دهد؟ مگر ما یک اتاق داریم؟ مگر عملکرد اتاق های ما یکی است؟ مگر فرهنگ مصرف از اتاق با این شغل های مختلف یکی است؟ هر ترم به دانشجویان می گویم طراحی مسکونی را برای افراد مختلف انجام دهند. طراحی مسکونی برای انسانی که روی ویلچر است یا یک عکاس، پرستار، گل فروش، جراح قلب و اعصاب، انسان فرهنگی؛ معلوم است که نور، روحیه فضا، رنگ، ارتفاع، سبک و... برای هر کدام از این افراد یک معنی دارد. اینها را کجا و در کدام مجله معماری داخلی گفته اند؟ بعضی مترپال ها از نظر بعضی اشخاص حساسیت های خاصی رابه وجود می آورد از جمله بعضی از موکت ها، مواد پلاستیکی! کجا اینها را مطرح کرده ایم که دانشجو بداند و آن را مصرف نکند یا بکند؟ کجا به ما گفته شده است که نور نقطه ای چیست؟ اگر اشخاصی این را می دانند آن ها را بنویسند تا دیگران هم از آن استفاده کنند.

در روسیه در مکانی دیدم که جای کلیدها در ارتفاع ۶۰ سانتیمتری بود چراکه زمان خروج و ورود با دست خاموش و روشن می کنند. پریزها در ارتفاع یک متر هستند که برای بچه ها خطرناک نباشد.

معماری داخلی یعنی زندگی دادن و با کیفیت کردن فضا؛ معماری داخلی یعنی نگاه خیلی ریز به قول یکی از اساتید در معماری داخلی باید با ذره بین به جزئیات نگاه کرد.

مطلب بسیار است که می باید بیشتر شکافته شده و به بحث گذاشته شود و کمک بیشتر اساتید را می طلبد. امیدوارم به جایی برسیم که معماران داخلی جایگاه خود را پیدا کنند. ■

را بشناسند و نیازهای آن ها را بدانند. کار معمار داخلی را همه نمی بینند تنها مصرف کنندگان آن مکان می بینند. کار یک معمار را معمولاً از هر قشری خواهند دید و در اینجا است که متوجه می شویم یک معمار با چه دیدگاه های فرهنگی ارتباط دارد، هم باید جواب تاریخ را بدهد هم باید جواب فرهنگ را بدهد، زیبایی شناسی ای را که می شناسد باید در آن ساختمان حاکم کند هم ضوابط و روابط را و... معمار داخلی می تواند با طراحان صنعتی ارتباط داشته باشد، چراکه ممکن است مبلمان را خودش طراحی کند غیر از اینکه فضاها را هم تقسیم می کند.

فرض کنید در شهر یزد سوله ای داریم که بخواهیم آنجا را به مرکز تجاری تبدیل کنیم در اینجا است که دقیقاً حضور معماری داخلی را می بینیم. این سوله چگونه شکل بگیرد تا یک مرکز تجاری شود نقش معمار داخلی کاملاً محسوس است شاید معمارها هم این گرایش طراحی را داشته و یا نداشته باشند. پس وقتی یک معماری داخلی سوله ای را تبدیل به یک مرکز تجاری می کند! کجای این کار دکوراسیون است؟ تغییرات و جابجایی های ضروری در عمق و ارتفاع در داخل یک مجموعه بنا کار بست معمارگونه که همانا معماری داخلی خوانده می شود.

یک معمار داخلی در پلان معکوسش نقاطی را انتخاب و طراحی می کند تا بگوید در اینجا نورهای نقطه ای و یا گسترده و... می خواهد و در نقطه ای دیگر نور سفید یا رنگی می خواهد و آن نقاط را در پلان نشان دهد. این کار دکوراتور نیست این یا کار خود معمار است اگر بخواهد معماری داخلی کند یا کار یک متخصص معمار داخلی است.

من اول عرایضم گفتم که ما کتب ترجمه در مورد معماری داخلی هر چند اندک داریم. مجلاتی را هم می بینیم، مثلاً نور در معماری داخلی! اگر قرار باشد چند تا عکس رنگی را در گلاسۀ خوب چاپ کنیم و بنویسیم